

## مدیریت ریسک اجتماعی

# رویکرد جدید بانک جهانی به مساله حمايت اجتماعي<sup>۱</sup>

محمد رضا معيني<sup>۲</sup>

### چکیده

در متون رایج اقتصادی، فقر همواره یک عارضه اجتماعی و بیش تر به مثابه پیامد مترتب بر سیاست‌های اقتصادی ارزیابی شده است. به نظر می‌رسد به دنبال شکست بسیاری از سیاست‌های توسعه‌ای، بالاخص سیاست‌هایی که سازمان‌های بین‌المللی از قبیل بانک جهانی مروج و مدافع آن بوده‌اند و شیوع نگران‌کننده فقر در سطح جهانی، اکنون چالش با فقر بیش از هر زمان دیگری جدی شده است. مبارزه با فقر نه فقط به عنوان پیامد سیاست‌های غلط یا بلایای طبیعی، بلکه به مثابه یک مشخصه اجتماعی مانع توسعه نیز اهمیت دارد. به عبارتی دیگر، اکنون این فکر قوت گرفته است که فقر یا دیگر عارضه‌های نامطلوب اجتماعی سبب می‌شوند تا شروط لازم برای به ثمر نشستن سیاست‌های بخش عمومی، توسعه‌ای یا اجتماعی هرگز محقق نشوند یا با هزینه‌های گزاف به بار نشینند. بدین ترتیب

۱. ایده اصلی مدیریت ریسک اجتماعی در بخش توسعه اجتماعی بانک جهانی مطرح و ساخته و پرداخته شده است:

[www.worldbank.org/socialdevelopment](http://www.worldbank.org/socialdevelopment)

۲. کارشناس ارشد اقتصاد و پژوهشگر آزاد

مبارزه با فقر می‌تواند زمینه ساز توسعه باشد و نه صرفاً نتیجه آن. پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان با فقر مبارزه کرد. تا پیش از این دو سیاست کلاسیک باز توزیع یا توزیع مجدد<sup>۱</sup> و حمایت اجتماعی<sup>۲</sup> یگانه راه مبارزه با فقر انگاشته می‌شدند. اکنون بانک جهانی - که از سوی بسیاری از منتقدان مسبب فقر در کشورهای جهان سوم شناخته می‌شود - سیاستی جدید با عنوان مدیریت ریسک اجتماعی<sup>۳</sup> را به عنوان رویکردی نو به مسأله حمایت اجتماعی مطرح کرده است. ایده اصلی این رویکرد جدید این است که فقر ناشی از ناتوانی در مدیریت ریسک است، چه فرد مقصر باشد، چه نهادهای اجتماعی ای که بالقوه می‌توانند حامی او باشند و چه طبیعت. مدیریت ریسک اجتماعی چارچوب مفهومی جدیدی برای سامان دادن به ریسک‌هایی است که محیط پیرامون ما را احاطه کرده اند، با این هدف که احتمال تحقق ریسک‌های با نتیجه مثبت به حداکثر و با نتیجه منفی به حداقل برسد. اجزای این چارچوب عبارتند از استراتژی‌ها و تمهیداتی که برای مقابله با ریسک اندیشیده می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی چارچوب جدید عبارت است از تأکید بر توانمندسازی، توجه به سطوح مختلف ریسک و تفکیک بازیگران. فقرا مهم‌ترین بازیگرانی هستند که در این چارچوب ایفای نقش می‌کنند زیرا بیش از دیگران آسیب‌پذیرند و هم کم‌تر از دیگران، ابزارهای مدیریت ریسک را در اختیار دارند.

### مقدمه

رویکرد جدید بانک جهانی به مسأله حمایت اجتماعی را در چارچوب سیاست‌های کلی بانک بهتر می‌توان فهمید. فهم وضعیت کنونی سیاست‌گذاری در بانک و این که اصولاً چرا حمایت اجتماعی در دستور کار بانک قرار گرفته است منوط به آگاهی از روند تاسیس و کار بانک جهانی و تحولاتی است که بانک به تبع بازنگری در سیاست‌های گذشته خود به آن‌ها تن داده است. به همین دلیل، شاید بهتر آن باشد که با مراجعه به اسناد بانک جهانی

1. Redistribution.
2. Social Protection.
3. Social Risk Management.

نخست به طور مختصر با تاریخچه این بانک آشنا شویم، سپس نگاهی بیندازیم به چارچوب استراتژیک بانک و آنگاه جنبه‌های مختلف مدیریت ریسک اجتماعی را به مثابه رویکرد جدید بانک به مساله حمایت اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم.

### مروری بر تجربه بانک جهانی: چرخش در دیدگاه

بانک جهانی در پی پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم با هدف کمک به بازسازی اروپای بعد از جنگ تاسیس شد و نخستین وام خود را به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۴۷ در اختیار فرانسه قرار داد. بعدها، نه فقط بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، بلکه کمک به بازسازی خرابی‌های ناشی از وقوع بلایای طبیعی، تخفیف وضعیت‌های بحرانی انسانی، مرمت آثار سوء به جا مانده از درگیری‌های منطقه‌ای، قومی و نژادی که به طور کلی بر روند توسعه کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال گذار تاثیر می‌گذارند در دستور کار بانک قرار گرفت. در یک نگاه می‌توان گفت بانک در این مرحله بیش‌تر با رفع، حذف و یا کاهش آثار مخرب ناشی از جنگ، سیل، زلزله و دیگر بلایای طبیعی یا محصول بشر، سر و کار داشته است تا زمینه‌سازی برای توسعه. جالب آنکه در مدت مزبور بیش‌تر کارشناسان بانک را مهندسان و تحلیل‌گران مالی تشکیل می‌دادند تا کارشناسان علوم اجتماعی.

به تدریج پس از آن که نقاط ضعف برخی نظریه‌های توسعه روشن شد و توصیه‌های بانک در عمل مفید واقع نشد و سیاست‌هایی که بانک در عمل مشوق و مروج آن بود بی‌ثمر ماند، سردمداران بانک در صدد بازنگری در دستاوردهای احتمالی گذشته برآمدند. بدون آن که بخواهیم علل و روش‌های بازنگری را موشکافانه مورد بررسی قرار دهیم و نظریات انتقادی نسبت به بانک را در کنار پاسخ‌های بانک قرار دهیم، فقط به ذکر نکته‌ای اکتفا می‌کنیم که برای بحث ما اهمیت دارد و آن این که به نظر می‌رسد بانک در طول ۵ دهه، سه مرحله کلی زیر را تجربه کرده است:

الف) کمک به بازسازی خرابی‌های طبیعی یا ناشی از اقدامات بشری؛

ب) کمک فنی - مالی به توسعه، بدون در نظر گرفتن پیش‌نیازهای فرهنگی و اجتماعی آن؛

ج) کمک به توسعه کشورهای توسعه نیافته با توجه به اهمیت بسترهای اجتماعی و فرهنگی و لزوم نهادسازی.

مرحله سوم، که دهه ۱۹۸۰ را در برمی گیرد با لزوم بازنگری در سیاست‌های کلان اقتصادی و تلاش برای ساماندهی مجدد جدول زمانی باز پرداخت بدهی‌ها آغاز می‌شود. پیش از آن بانک جهانی در دهه ۱۹۷۰ میلادی به جنبه‌های اجتماعی سیاست‌های اقتصادی خود توجه می‌کرد. مک نامارا<sup>۱</sup> رئیس وقت با دعوت از یک مردم‌شناس و یک جامعه‌شناس برای اولین بار از آن‌ها خواست تا در کاهش فقر و توسعه روستایی به بانک کمک کنند. در دهه ۱۹۸۰ ارزیابی پروژه‌های اقتصادی در دستور کار بانک قرار گرفته بود و دستورالعمل‌های بانک بر به حداقل رسانیدن آثار منفی پروژه‌های بانک تاکید داشتند. در دهه ۱۹۹۰ برنامه توسعه اجتماعی، دستورالعمل‌های عملیاتی و کارشناسان اجتماعی و متخصصان محیط زیست جزئی از بخش محیط زیست بانک شده بودند. در اواخر دهه ۱۹۹۰ به نظر می‌رسید برنامه توسعه اجتماعی بانک از توجه به مسائل زیست‌محیطی و تامل در مورد جنبه‌های اجتماعی فراتر رفته است و حتی در مرحله تهیه برنامه‌ها و یا طراحی سیاست‌ها، بسترهای اجتماعی تضمین کننده توفیق برنامه یا سیاست مورد نظر مورد توجه قرار می‌گیرد. توسعه اجتماعی، فقرزدایی، مشارکت مدنی<sup>۲</sup>، توانمندسازی گروه‌های به حاشیه رانده شده، توجه به جوامع همبسته<sup>۳</sup> و سرمایه اجتماعی<sup>۴</sup> از مفاهیمی هستند که در این دوره مطرح می‌شوند. در واقع همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد می‌توان گفت بانک در طول سه دهه به تدریج از تاکید صرف بر برنامه اقتصادی به توجه به پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی و اخیراً به بسترها و شرایط اجتماعی و نهادی گذر کرده است. در همین دهه به تدریج علاوه بر جنبه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی جنبه‌های سیاسی توسعه نیز مورد

1. McNamara
2. Civic Engagement
3. Community
4. Social Capital

توجه بانک قرار می‌گیرد. حکمرانی خوب<sup>۱</sup> و تمرکززدایی از جمله نشانه‌های چرخش در دیدگاه‌های بانک جهانی است.

### مبارزه با فقر: سرفصل اصلی استراتژی جدید

تاکید بر مبارزه با فقر برجسته‌ترین جنبه یا نمود سیاست اجتماعی بانک جهانی است که در قالب استراتژی بانک در آغاز هزاره سوم مطرح شده است. هدف اصلی این استراتژی کاهش فقر در سطح جهانی است که به نظر می‌رسد از مدت‌ها پیش مهم‌ترین معضلی است که جامعه جهانی با آن روبه‌روست، معضلی که روز به روز بر ابعاد آن افزوده می‌شود. در حال حاضر بیش از یک میلیارد نفر با درآمد کم‌تر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. اگر در نظر بگیریم که ظرف ۲۵ سال آینده ۲ میلیارد نفر بر جمعیت جهان افزوده می‌شود و ۹۰ درصد این جمعیت در کشورهای فقیر زندگی می‌کنند یا خواهند کرد آن‌گاه ابعاد تهدید فقر روشن‌تر خواهد شد. در این جا منظور ما از تهدید فقط خطرهایی نیست که متوجه فقرزدگان است، بلکه فقر خطری جهانی است زیرا متضمن کاهش مصرف و در خطر افتادن بازارها، شورش‌های اجتماعی، مهاجرت‌های ناخواسته و جز این‌ها است که با توجه به شرایط جدید جهانی می‌تواند هم برای کشورهای فقرزده توسعه‌نیافته و هم برای کشورهای توسعه‌یافته نگران‌کننده باشد. افزایش شکاف درآمدی میان کشورهای فقیر و غنی، که فقط از سال ۱۹۶۵ تا به حال دو برابر شده است بر ابعاد این تهدید می‌افزاید چرا که به واسطه گسترش ارتباطات جهانی، مهاجرت، ادغام اقتصادی و دیگر پیامدها و جنبه‌های جهانی شدن، فقر پدیده‌ای نیست که دامنه تاثیرات آن الزاماً در محدوده مرزهای ملی باقی بماند. در گزارش توسعه جهانی آمده است که فقر پدیده‌ای چند بعدی است و کاهش آن مستلزم چیزی بیش از فراهم آوردن افزایش مصرف است. در واقع فقر محصول تعامل بین دارایی‌های شخص، بازار و نهادهای اجتماعی است. لازمه آن که نهادها، بازارها و جامعه به نحوی سامان یابند که فقر کاهش یابد آن است که ثبات اجتماعی حاکم باشد و

سرمایه انسانی بتواند انباشت شود. به لحاظ نظری همه انسان‌ها در معرض فقر و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی قرار دارند، اما در عمل این فقرا هستند که با شدت بیشتری در معرض این آسیب‌ها قرار دارند، چرا که ریسک قرار گرفتن در برابر شوک‌های ناشی از نوسان در ظرفیت کسب درآمد در مورد آن‌ها بسیار بیشتر است. منشأ این شوک‌ها می‌تواند بلایای طبیعی، جنگ، جرم و خشونت، بیکاری، بالا رفتن سن، محرومیت‌های اجتماعی و تبعیض، نابرابری نژادی و جنسی و امثالهم باشد. با توجه به موارد بالا به نظر می‌رسد راه حل رفع فقر آن است که:

- فقرا به مهارت‌های لازم برای غلبه بر آینده نامطمئن مجهز شوند؛
- فقرا از حق اظهار نظر<sup>۱</sup> برخوردار شوند؛
- دولت با توسل به سازوکارهای بازاری و غیربازاری بتواند به نحوی معقول از میزان ریسک ضربه‌پذیری فقرا بکاهد.
- اما هدف کاهش فقر را باید در متن شرایط جدید حاکم بر جهان مورد توجه قرار داد. ویژگی‌های این شرایط جدید عبارتند از:
- پیشرفت‌های فنی و فناورانه،
- ادغام اقتصادهای ملی؛
- تغییر نقش دولت؛

شرایط جدید ایجاب می‌کند گروه‌های آسیب‌پذیر هرچه بیشتر در معرض حمایت اجتماعی قرار بگیرند. اگرچه پیشرفت‌های فناورانه مترادف است با افزایش امکان رشد، نباید از یاد برد که گسترش شیوه‌های جدید تولید و غلبه یک الگوی تولیدی بر الگوی پیشین به معنای جانشین کردن نیروی کار ماهر به جای نیروی کار غیر ماهر، و یا جانشین شدن روش‌های سرمایه‌بر به جای روش‌های کاربر است. در هر دو حالت الگوی قبلی توزیع درآمد جای خود را به الگوی جدید خواهد داد و بدیهی است که گروهی در این میان در معرض ریسک‌های ناشی از افت درآمد قرار خواهند گرفت. ادغام اقتصادهای ملی هم

مجله‌شنو، فصلنامه علمی-پژوهشی، شماره ۳۳، سال ۸، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۳۲-۳۳  
 ISSN: 2788-4230  
 http://www.schno.ir

هرچند متفلسف فرصت‌هایی بالقوه برای استفاده از سرمایه و دانش فنی بین‌المللی است، در عمل مسکن است به واسطه فقدان تمهیدات نهادی<sup>۱</sup>، ضعف دانش فنی در سطح ملی؛ مهارت‌های ناکافی نیروی کار و... بخش قابل ملاحظه‌ای از جریان ارزش افزوده تولید شده در واحد جغرافیای ملی به خارج از مرزهای ملی هدایت شود. در چنین شرایطی نیروی کار ملی در معرض نوسانات شدید دستمزدی و درآمدی قرار خواهد گرفت، تا بدان‌جا که ممکن است روش‌های پیشین حمایت اجتماعی کارساز نباشد. تغییر نقش دولت پیچیده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین ویژگی شرایط جدید جهانی است. اگر مهم‌ترین جنبه اقتصادی جهانی شدن را گسترش نظام بازار از واحد جغرافیای ملی به واحد جغرافیای جهانی تعریف کنیم، پر واضح است که غلبه روابط بازار به مثابه روابط متضمن حداکثر سود، تهدیدی جدی برای سیاست‌های کلاسیک حمایت اجتماعی است، زیرا از دولت انتظار می‌رود ضمن به حداقل رسانیدن بار تصدی‌گری خود، به مدد مقررات‌زدایی و واگذاری امور به بخش خصوصی زمینه‌ساز گسترش نظام بازار شود. چنین شرایطی حداقل در سطح نظری خطری برای نظام‌های سنتی حمایت اجتماعی محسوب می‌شوند، ضمن آن که در عمل اندازه‌گیری تبعات جهانی شدن چندان آسان نیست.

### حمایت اجتماعی چیست؟

بر اساس ساده‌ترین تعریف حمایت اجتماعی عبارت است از اقدامات دولتی<sup>۲</sup> با هدف حمایت در آمدی از افراد یک جامعه. حوزه‌های سنتی حمایت اجتماعی عبارتند از: مداخله دولت در بازار کار، بیمه‌های اجتماعی و چترهای ایمنی. هدف کلی از اعمال سیاست حمایت اجتماعی حمایت از افراد فقیر و توانمندسازی آن‌ها از طریق افزایش دارایی‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی و ارتقای نهادهای ادغام‌کننده<sup>۳</sup> در نظام اجتماعی و در نتیجه افزایش فرصت‌های در دسترس این افراد است تا بدین ترتیب امنیت معیشت ایشان تضمین شود.

1. Institutional Arrangements
2. Public Measures
3. Inclusive Institutions

ارکان سیاست‌گذاری حمایت اجتماعی عبارتند از: الف) مشارکت<sup>۱</sup>، درگیر شدن در امور مدنی؛ ب) تحلیل اجتماعی<sup>۲</sup>؛ ج) جلوگیری از درگیری و اقدام به بازسازی؛ د) توسعه برخاسته از نیازها و مبتنی بر مشارکت جوامع همبسته؛ ه) سازوکارهای حفاظت‌کننده اجتماعی<sup>۳</sup>. دقت در ارکان مذکور نشان می‌دهد حمایت اجتماعی به معنای پرداخت‌های منفعلانه مالی یا بیمه‌ای به کسانی نیست که در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند بلکه حمایت اجتماعی واقعی به معنای افزودن بر ظرفیت‌های نهفته اجتماعی از طریق قائل شدن سهمی برای همه کسانی است که عضو این جامعه‌اند و واگذاری نقشی به ایشان (مشارکت)، تعریف عرصه‌های جدید حیات اجتماعی (عرصه مدنی) و ترغیب شهروندان به ایفای نقش در این عرصه و برانگیختن و حساس کردن اعضای جامعه در برابر آنچه در این عرصه می‌گذرد (درگیر شدن در امور مدنی)، داشتن تصویری صحیح از پویای‌های اجتماعی<sup>۴</sup> (تحلیل اجتماعی)؛ کاستن از تنش‌های اجتماعی به مثابه عامل تهدیدکننده ظرفیت، پویایی و شادابی اجتماعی؛ توجه به سازمانده‌های درون اجتماعی که از قواعد، هنجارها و قانونمندی‌های خود پیروی می‌کنند و شبکه‌های گروهی خاص خود را دارند (جوامع همبسته) و در نهایت محافظت از جامعه در برابر آسیب‌های درون‌زا و برون‌زا است. از زاویه‌ای دیگر حمایت اجتماعی مجموعه‌ای از اقداماتی است که به اصلاح و بهبود وضعیت سرمایه انسانی و اجتماعی منجر می‌شود و شامل مداخله در بازار کار، کاهش بیکاری از طریق توسل دولت به ابزارهای بخش عمومی، بیمه‌های از کار افتادگی و حمایت‌های درآمدی است. به طور مشخص هدف از حمایت اجتماعی عبارت است از:

- کاهش آسیب پذیری خانوارهای کم درآمد از حیث مصرف کالاهای اساسی و خدمات؛
- توانمند ساختن خانوارها با هدف ارتقا سطح درآمدی در طول دوره زندگی، و بدین ترتیب امکان تامین مالی سطح بالاتری از زندگی؛



- افزایش برابری اقتصادی بالاخص به هنگام قرار گرفتن در برابر شوک های معکوس!  
منطق حمایت اجتماعی این است که مداخله دولت یا دیگر نهادها با هدف حمایت از اقشار آسیب پذیر به افزایش همبستگی، انسجام اجتماعی، و ثبات سیاسی می انجامد. اگر سیاست های حمایت اجتماعی به نحو مقتضی طراحی و اجرا شود شرایط لازم برای توسعه پایدار و مبتنی بر مشارکت با احتمال بیش تری محقق خواهند شد.

### چرا بانک جهانی رویکردی جدید به حمایت اجتماعی را توصیه می کند؟

تجربه اخیر رشد کشورهای آسیای شرقی نشان می دهد که رشد مداوم اقتصادی در طول یک دوره طولانی می تواند فقر را به طرز معناداری کاهش دهد. همین تجربه حکایت از آن دارد اگر نظام حمایت اجتماعی به میزان کافی قدرتمند نباشد بحران هایی از قبیل بحران مالی شرق آسیا می تواند گروه هایی از جمعیت را در معرض آسیب های جدی درآمدی قرار دهد. نظام های رایج حمایت اجتماعی بر کمک های دولت به گروه های آسیب پذیر مبتنی اند. این اتکا تا آنجا کاربرد دارد که دولت بتواند منابع مالی کافی برای ایفای وظیفه حمایتی خود بسیج کند. پدیده پیچیده و چندبعدی جهانی شدن، سیاست های تعدیل ساختاری که متضمن واگذاری بخش های گسترده تری از اقتصاد به بخش خصوصی است و در نهایت کسری بودجه های مزمن ما را وادار به تامل در مورد اتکا بر منابع مالی دولت می کند.

از سوی دیگر ابعاد فقر در سطح جهان نگران کننده است. همان طور که پیش از این گفته شد بیش از یک میلیارد نفر در سطح جهان با درآمدی کم تر از یک دلار در روز زندگی می کنند، تعداد کسانی که شغل خود را در اثر سیاست های تعدیل از دست داده اند رو به افزایش است و افزایش تعداد سالمندان حجم بیش تری از منابع مالی را برای بیمه های پیری و از کارافتادگی طلب می کند. به نظر می رسد تاثیر عوامل پیش گفته به واسطه

ناکارآمدی نظام‌های موجود حمایت اجتماعی شدیدتر می‌شود. از جمله علل ناکارآمدی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- نظام‌های سنتی بیش از حد بر دخالت دولت و منابع عمومی تاکید می‌ورزند؛
  - نظام‌های کنونی بیش از حد بر تحلیل ایستای هزینه فایده مبتنی‌اند و به فواید بلندمدت حمایت اجتماعی چندان بها نمی‌دهند؛
  - بخشی‌نگری و تفکیک مداخلات دولت بر حسب بخش‌های اقتصادی سبب می‌شود تا همپوشانی‌های بالقوه مورد غفلت قرار گیرد؛
  - بر اساس برداشت سنتی امحای فقر بیش‌تر مد نظر است تا توانمندسازی فقرا.
- رویکرد جدید بانک جهانی به حمایت اجتماعی بر تعریفی نواز حمایت اجتماعی مبتنی است. بر اساس این تعریف:
- حمایت اجتماعی عبارت است از مداخله دولت<sup>۱</sup> و حوزه عمومی<sup>۲</sup> با هدف:
  - یاری به افراد، خانوارها و جوامع همبسته برای مدیریت هر چه بهتر ریسک؛
  - حمایت مستقیم از کسانی که با فقر شدید دست بگریانند.

### جنبه‌های مترتب بر تعریف جدید از حمایت اجتماعی

- اگر تعریف جدید مدنظر قرار گیرد آنگاه:
- حمایت اجتماعی هم همانند چتر ایمنی عمل خواهد کرد و هم سکوی پرش فقرا در جهت خروج از فقر خواهد بود؛
  - حمایت اجتماعی فقط سیاستی هزینه‌بر ارزیابی نخواهد شد، بلکه سرمایه‌گذاری انسانی نیز تلقی خواهد شد. یکی از جنبه‌های مهم تعریف جدید تاکید بر کمک به فقرا با هدف تضمین دسترسی ایشان به خدمات اجتماعی اساسی<sup>۳</sup>، جلوگیری از رانده شدن به حاشیه

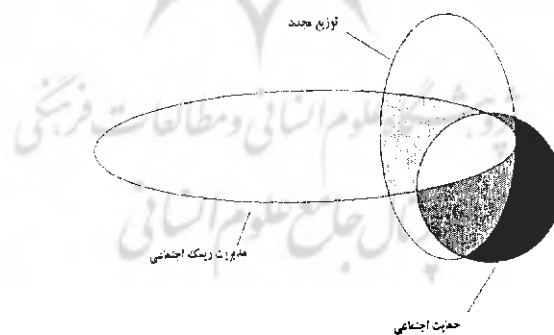
1. Public Interventions
2. Public Sphere
3. Basic Social Services

اجتماع، و مقاومت در برابر استراتژی‌هایی است که تأثیرات منفی برگشت‌ناپذیری بر جای می‌گذارند. در این صورت می‌توان انتظار داشت میزان سرمایه انسانی افزایش یابد.

- نشانه‌های فقر کم‌تر و علل آن بیش‌تر مورد تأکید قرار خواهد گرفت. برای نیل به این هدف فرصت‌هایی در اختیار فقرا قرار خواهد گرفت تا دست به کارهایی بزنند که بازدهی ریسک آن‌ها بیش‌تر است، در عین حال از سازوکارهای سنتی و غیر رسمی سرشکن کردن<sup>۲</sup> ریسک کم‌تر استفاده کنند.

- واقعیت مدنظر قرار می‌گیرد. جمعیت جهان در حال حاضر ۶ میلیارد نفر است و فقط یک چهارم این جمعیت تحت پوشش نظام‌های رسمی تامین اجتماعی قرار دارند. مهم‌تر آن که فقط ۵ درصد از جمعیت جهان آن‌قدر دارایی شخصی در اختیار دارند که بتوانند ریسک‌های شخصی خود را مدیریت کنند. در همین حال شکاف فقر آنچنان وسیع است که نمی‌توان انتظار داشت منابع مالی دولتی و عمومی برای پر کردن آن کفایت کند.

در شکل زیر مدیریت ریسک اجتماعی با رویکردهای سنتی حمایت اجتماعی و سیاست‌های توزیع مجدد مقایسه شده است.



1. Social Exclusion
2. Sharing

در مورد شکل فوق چند نکته قابل ذکر است. وجه اشتراک ۳ سیاست توزیع مجدد، حمایت اجتماعی و مدیریت ریسک اجتماعی کمک به فقرا و توانمندسازی اقشار آسیب پذیر از طریق توزیع مجدد درآمد است. ویژگی خاص سیاست حمایت اجتماعی گسترده چتر حمایت اجتماعی بر سر کسانی است که به حمایت نیاز دارند. جنبه منحصر به فرد مدیریت ریسک اجتماعی (سمت چپ شکل) تلاش برای توانمندسازی و نه صرفاً اعطای کمک مالی و برافراشتن چتر ایمنی و حمایتی از یک طرف و تکیه بر سطوح مختلف همبستگی اجتماعی (از جمله خانواده، گروه‌های محلی، جوامع همبسته) و قائل شدن نقش برای بازیگران متعدد از طرف دیگر است. ویژگی دیگر مدیریت ریسک اجتماعی پویایی خاص آن در شرایط اجتماعی ثابت و متغیر (در حال گذار) است.

### مدیریت ریسک اجتماعی و شرایط ثابت

منظور از شرایط ثابت شرایطی است که تحت آن جامعه در معرض تحولات بنیادی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یا در معرض سیاست‌های مولد رشد یا منجر به توسعه قرار ندارد. به عبارت دیگر شرایطی است که سیاست‌گذاران و مدیران جامعه بدون ایجاد تغییرات بنیادی خواهان آنند که سطح موجود را ارتقا دهند. در این شرایط مدیریت ریسک اجتماعی می‌تواند از سه جنبه: الف) کاهش آسیب پذیری؛ ب) کاستن از نوسانات مصرف؛ ج) ایجاد برابری بیش تر بر رفاه شهروندان تاثیر بگذارد.

**الف) کاهش آسیب پذیری:** آسیب پذیری به معنای قرار گرفتن در معرض حوادث پیش‌بینی نشده یا ضربه‌های برون‌زا است. فقرا بیش تر در معرض این ضربه‌ها هستند زیرا کم تر به ابزارهای مدیریت ریسک مجهزند و از آنجا که در مرز حداقل معاش قرار دارند اندک کاهش در رفاه برای ایشان فاجعه‌بار است. مدیریت ریسک می‌تواند ایشان را از مرز معیشت اندکی ارتقا دهد و کمک کند تا مرحله گذار احتمالی به سطح بالاتر را راحت تر طی کنند.

**ب) کاهش مصرف:** در مورد مصرف باید گفت تحقیقات تجربی نشان داده است واحدهای اقتصادی از جمله خانوارها تمایل دارند نوسانات مصرف را با استفاده از درآمدهای انتظاری حل کنند. از آنجا که تحقق درآمدهای انتظاری قطعی نیست و شوک‌های منفی درآمدی می‌تواند موجب نوسان در مصرف شوند، ابزارهای مدیریت ریسک از جمله پس‌انداز می‌تواند کمک کنند تا این نوسات حذف و سطح قابل قبولی از رفاه تضمین شود.

**ج) افزایش برابری:** در بسیاری از جوامع ارزش‌های اجتماعی بر توزیع عادلانه‌تر و برابرتر صحنه می‌گذارند. در چنین جوامعی برابری کالایی است که وجود آن بر رفاه می‌افزاید. بنابراین مدیریت ریسک اجتماعی حتی اگر به ارتقای جنبه‌های فیزیکی و مادی منجر نشود، می‌تواند از طریق افزایش برابری به مثابه ارزش مورد قبول جامعه، به افزایش رفاه بینجامد.

### مدیریت ریسک اجتماعی در شرایط گذار

به کمک مثال‌های زیر می‌توان تاثیر مدیریت ریسک را بر جنبه‌های پویای توسعه و رشد نشان داد. خانوارها به دو روش شوک‌های رفاهی خود را کاهش می‌دهند: یا از نوسانات درآمدی خود می‌کاهند یا به کمک قرض گرفتن، پس‌انداز یا انباشت دارایی‌ها و دیگر روش‌ها از نوسانات مصرف می‌کاهند. در غیاب نظام‌های کارآمد حمایت دولتی یا سازوکارهای کارآمد بازاری خانوارها سعی می‌کنند به کمک روش‌های غیر رسمی و البته هزینه‌بر از شوک‌های رفاهی خود بکاهند. این روش‌ها معمولاً عبارتند از: ثبت نام نکردن در مدرسه، کاهش مصرف مواد غذایی، فروش دارایی‌ها یا بی‌توجهی نسبت به تشکیل و انباشت سرمایه انسانی. آگاهی نداشتن از روش‌های مدیریت ریسک نشان می‌دهد خانوارهای فقیر با روی آوردن به کارهای کم‌ریسک و البته کم‌بازده وضعیت خود را بحرانی‌تر می‌کنند. برای مثال در هندوستان ۳۵ درصد از سود ناشی از زراعت به علت ناآشنایی با روش‌های مدیریت ریسک اجتماعی از دست می‌رود.

در جوامع سنتی هزینه‌های مدیریت ریسک اجتماعی تابعی است از میزان سرمایه اجتماعی نهفته در شبکه‌های اجتماعی سنتی. معمول‌ترین روش برای مدیریت ریسک اجتماعی در چنین جوامعی پذیرفتن تعهدات متقابل است؛ به این معنا که شخص «الف» به شخص «ب» کمک می‌کند به این امید که در آینده‌ای نه چندان دور این کمک «ب» به شخص «ب» برگردد. این نوع دستگیری از هم‌نوع که در واقع سازوکاری غیر رسمی برای مدیریت ریسک است از پشتوانه‌های قانونی تضمین برخوردار نیست؛ این نوع مدیریت چند ویژگی دارد:

- فقرا معمولاً قادر به شرکت در آن نیستند زیرا همه می‌دانند که در آینده قادر به جبران نخواهند بود؛

- حجم کمک‌های متقابل محدود است و در شرایط حاد مثل زلزله کارایی ندارد؛
- این سازوکار گران است و در بسیاری موارد مستلزم برگزاری مراسمی پرهزینه است مثل مراسم عروسی.

### مدیریت ریسک اجتماعی و کاهش فقر

مدیریت ریسک اجتماعی می‌تواند از طریق کاستن از میزان فقر گذرا، جلوگیری از فروافتادن به فقر بیش‌تر و پیش‌رو گذاردن راهی برای فرار از تله فقر به کاهش فقر بینجامد. فقرا همیشه فقیر نبوده‌اند بلکه به واسطه حوادثی که در چرخه زندگی روی می‌دهد مثل تشکیل خانواده، بیکاری یا بیماری، یا ناتوانی از انتقال توان مالی از یک دوره زندگی به دوره دیگر به ورطه فقر سوق داده شده‌اند.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد فقرا بیش‌تر از دیگران در معرض آسیب فرار دارند چرا که بیش‌تر از دیگران در معرض ریسک‌هایی قرار دارند که قادر به مدیریت آن نیستند. در صورت فقدان ابزارهای دولتی مدیریت ریسک و لزوم تمسک جستن به ابزارهای فردی و شخصی فقرا ناچارند به جای مدیریت ریسک با آن مقابله کنند. نفس فقر شخص فقیر را ریسک‌گریز می‌کند و معمولاً فقرا تمایلی به درگیر شدن در فعالیت‌های ریسک‌آمیز که به

#### 1. Transitory Poverty

همان نسبت درآمدها هستند ندارند. با توجه به شرایط جدید ناشی از جهانی شدن فترانه تنها نمی توانند از فرصت های بالقوه جهانی شدن استفاده کنند بلکه آثار منفی آن بیش تر بر آنها تاثیر خواهد گذاشت.

### ارکان مدیریت ریسک اجتماعی

کارشناسان بانک جهانی چارچوبی برای مدیریت ریسک اجتماعی پیشنهاد داده اند. اجزای چارچوب پیشنهادی عبارتند از:

- استراتژی های مدیریت ریسک؛

- تمهیدات<sup>1</sup> مدیریت ریسک بر حسب درجه رسمی بودن (تمهیدات غیر رسمی، معطوف به بازار و ارائه شده از طرف دولت یا اجباری)،

- بازیگران (افراد، خانوارها، گروه های محلی، سازمان های غیر دولتی، نهادهای بازار، سازمان های بین المللی، و جامعه جهانی)،

چارچوب پیشنهادی در برابر پیش زمینه: الف) سطوح مختلف اطلاعات، اعم از متقارن یا نامتقارن؛ ب) اشکال مختلف ریسک قرار می گیرد و ماتریس مدیریت ریسک اجتماعی را تشکیل می دهد.

پیش از آن که به ماتریس ریسک اجتماعی پردازیم، سطوح مختلف اطلاعات، اعم از متقارن یا نامتقارن را به مثابه منشأ ریسک معرفی می کنیم.

### اطلاعات متقارن

در مدل ایده آل ارو-دبرو<sup>2</sup> با فرض متقارن بودن اطلاعات و کامل بودن بازارها، می توان همه ریسک ها را با اتکا به راه حل های بازار-محور<sup>3</sup> مورد تجزیه تحلیل و سیاست گذاری

1. Arrangements
2. Ideal Arrow-Debreu Model
3. Market Based Solutions

قرار داد. در این صورت دولت فقط حق دارد با انگیزه‌های توزیعی بدون آن که به نظام قیمت‌ها خدشه‌ای وارد شود در اقتصاد دخالت کند:

- از آن‌جا که همه ریسک‌ها معلوم و قابل اندازه‌گیری است، به راحتی می‌توان قیمت‌های بیمه‌گری را وضع کرد و افراد سالم خود را به طور کامل در برابر ریسک‌ها بیمه خواهند کرد. در چنین شرایطی بیمه ابزار بهینه اول<sup>۱</sup> مناسب برای همه انواع ریسک (از جمله ریسک‌های مرتبط با طبیعت) خواهد بود.

- دولت باید از طریق پرداخت‌های انتقالی (از جمله پرداخت‌های خیرخواهانه) به معلولین که به طرز نامتعارفی در معرض ریسک قرار دارند کمک کند.

- می‌توان به کمک مالیات‌ها توزیع درآمد را عادلانه‌تر کرد.

- در چنین چارچوبی که هر نتیجه کارآمد بر اساس ملاک پارتو<sup>۲</sup> متضمن تعادل بازار رقابتی کامل هم هست، کارایی و برابری را می‌توان از هم تفکیک کرد.

### اطلاعات نامتقارن

اگر فروض مدل ارو و دبرو حذف شود، در این صورت:

- ریسک کنش پنهان<sup>۳</sup>، انتخاب معکوس<sup>۴</sup> و حقوق مالکیت ناکافی و ناکارآمد باعث می‌شود بازارهای ریسک ناکارآمد عمل کنند یا اصلاً عمل نکنند؛

- در صورت حذف این مفروضات هزینه‌های معاملاتی سر بر می‌آورند و کم‌کم نهادهایی با کارکردهای خاص (از قبیل قراردادهای بازار کار و بازار وام‌ستانی) شکل می‌گیرند و مردم تمهیداتی غیر رسمی به منظور غلبه بر ریسک‌ها می‌اندیشند؛

- بیمه‌های دولتی، حتی کامل‌ترین آنها دیگر بهینه اول نیستند؛

- ابزار مدیریت ریسک تابعی خواهد بود از نوع و منشأ ریسک؛

1. First Best
2. Pareto Measure
3. Moral Hazards
4. Adverse Selection



- ریسک‌های برون‌زا که کنشگرهای اقتصادی می‌توانند آن‌ها را کنترل کنند یا تحت تاثیر قرار دهند افزایش می‌یابند؛

- نرخ مبادله ملاحظات کارایی و ملاحظات توزیعی صفر نخواهد بود، به عبارتی مداخلات دولت با هدف افزایش کارایی، آثار توزیعی به دنبال خواهد داشت و بالعکس. بنابراین بهتر است برای آن که توزیع رفاه برابرتر باشد، از توزیع مجدد درآمد از فردی به فرد دیگر پرهیز شود؛

- به دلیل توزیع اطلاعات نامتقارن توزیع ریسک همسان نخواهد بود. به همین دلیل اطلاعات به کالا و ابزار قدرت تبدیل می‌شود؛

- بازارها و دولت به راحتی نمی‌توانند ابزارهای مدیریت ریسک را فراهم کنند. در نتیجه سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های سیاسی به آسانی نتیجه نخواهند داد. در جدول ۱ انواع ریسک و منشأ آنها نشان داده شده است.

جدول ۱- انواع ریسک و منشأ آن‌ها

سطح ریسک		نوع ریسک
کلان	میان	
	خرد	طبیعی
زلزله، سیل، خشکسالی، طوفان	باران، رانش زمین، آتشفشان	بهداشتی
---	بیماری‌های واگیر	چرخه‌زندگی
---	---	اجتماعی
جنگ داخلی و غیر داخلی	تروریسم، گانگ‌تریسم	اقتصادی
رکود، بحران‌های مالی و پولی و فناوری و ...	اسکان مجدد	سیاسی
شکست سیاسی برنامه‌های اجتماعی	شورش	زیست محیطی
---	آلودگی، جنگل‌زدایی، زیاده‌های انمی	

منبع: (هولتس مان، ۲۰۰۰)

## ریسک و اندازه‌گیری آن

ریسک به طور سنتی با تغییرات مصرف و درآمد مرتبط است و به لحاظ فنی به کمک واریانس یا انحراف معیار این دو اندازه‌گیری می‌شود. با این حال اگر بخواهیم پیامدهای جانبی رفاهی ریسک را به خصوص در مورد فقرا اندازه بگیریم استفاده از ابزارهای فنی فوق‌الذکر می‌تواند ما را دچار مشکل کند. برای رفع مشکلات فنی مترتب بر روش‌های سنتی اندازه‌گیری ریسک می‌توان اهداف مدیریت ریسک را به سه رده تقسیم‌بندی کرد. هر یک از این سه رده مستلزم در اختیار داشتن اطلاعات خاص خود است و البته استلزامات مدیریتی خاص خود را طلب می‌کند.

**رده اول:** در این رده به حداقل رسانیدن حداکثر کاهش ممکن در رفاه هدف است. تابع هدف در این رده در مورد افراد بسیار فقیر و آسیب‌پذیر مصداق دارد. حداکثر کاهش رفاه ممکن در مورد این افراد مرگ است و عقل حکم می‌کند چنین افرادی در مرحله اول در برابر مرگ محافظت شوند. قاعده تصمیم‌گیری در مورد این افراد مستلزم در اختیار داشتن اطلاعات مربوط به احتمالات نیست و فقط اطلاعات مربوط به کلیت تابع ضرر (کاهش رفاه) کفایت می‌کند. ریسک اندازه‌گیری شده در مورد این افراد از جنس احتمالات نیست بلکه فقط مقدار عینی کاهش در رفاه ایشان است. بنابراین در مورد افراد فقیر یا بسیار فقیر ما با تابع زیر رو به رو هستیم:

[Min max: loss]: *quantity*

**رده دوم:** در این رده به حداقل رسانیدن احتمال کاهش مصرف در سطحی کم‌تر از آستانه معین هدف است. چنین تابع هدفی بالاخص در مورد افرادی صدق می‌کند که حول و حوش خط فقر زندگی می‌کنند. قاعده تصمیم‌گیری در مورد این افراد این است: «اول امنیت اقتصادی ایشان را تضمین کنید» که به معنای آن است که از اقداماتی که بالقوه می‌تواند به کاهش انتظاری در مصرف کم‌تر از یک آستانه از پیش تعیین شده بینجامد خودداری شود. در این مورد تصمیم‌گیرندگان لازم است بدانند در آمد انتظاری از

فعالیت‌های بدیل و آستانه مصرف کجا است. ریسک اندازه‌گیری شده در این مورد از جنس احتمالات است و در مورد این افراد با تابع زیر رو به رو هستیم:

$\{\text{Min Pr } [C_t < C_{\text{min}}]\}$ : *Probability*

**رده سوم:** در این رده به حداکثر رسانیدن نرخ بازدهی انتظاری با توجه به رجحان‌های از پیش تعیین شده هدف است. تابع هدف به دست آمده در این رده در مورد کسانی مصداق دارد که در آمدی بالاتر از خط فقر دارند و پذیرفتن ریسک‌های منجر به کاهش رفاه نمی‌تواند به احتمال مرگ یا فقر مطلق منجر شود. قاعده تصمیم‌گیری در مورد این افراد این است: «تابع مطلوبیت انتظاری را حداکثر کنید». تصمیم‌گیری در مورد این افراد مستلزم در اختیار داشتن اطلاعاتی در مورد رجحان‌ها، بازدهی انتظاری ناشی از در اختیار داشتن سبدهی متنوع از دارایی‌ها و توزیع این بازدهی‌ها است. اگر تابع مطلوبیت را به صورت خاص  $V(\mu, \sigma)$  نمایش دهیم، یعنی تابعی که فقط به گشتاورهای مرتبه اول و دوم توزیع احتمالات مرتبط با تخصیص دارایی‌ها وابسته است، آن‌گاه می‌توانیم به راحتی تابع هدف را به شکل زیر بنویسیم:

$[\text{Max } V(\mu, \sigma)]$ : *standard deviation* ( $\sigma$ )

### قلمروهای اصلی استراتژی‌های مدیریت اجتماعی ریسک

دنیای واقع عرصه اطلاعات ناقص است. علاوه بر این شیوه مدیریت ریسک تابعی است از نوع ریسک. با توجه به آن که طیف وسیعی از مدیریت ریسک وجود دارد که یک سر آن مدیریت کاملاً دولتی و سر دیگر آن اتکا به شبکه‌های اجتماعی کاملاً غیر رسمی است، در نهایت ما با ماتریسی دو بعدی مواجهیم که استراتژی‌های ریسک را در کنار سطوح مختلف مدیریت آن قرار می‌دهد. پیش از آن که این ماتریس را ارائه کنیم اجزای آن را به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهیم:

## یکم) استراتژی‌ها

**الف) استراتژی‌های ممانعت<sup>۱</sup>.** در این استراتژی‌ها کاهش احتمالی ریسک‌های منجر به ضرر به عنوان هدف تعریف می‌شود. به عبارتی این نوع استراتژی‌ها با هدف جلوگیری از تحقق ریسک به کار می‌روند. کاستن از احتمال ریسک معکوس، در آمد انتظار افراد را افزایش می‌دهد و از واریانس درآمدی ایشان می‌کاهد. هر دوی این‌ها بر افزایش رفاه تأثیر می‌گذارد. دامنه این استراتژی‌ها بسیار گسترده است و طیفی از سیاست‌ها را در بر می‌گیرد که از اهداف کلاسیک سیاست حمایت اجتماعی فراتر می‌رود. اجرای سیاست‌های صحیح کلان اقتصادی، بهداشت عمومی، حفظ محیط‌زیست، آموزش و بهداشت از جمله این سیاست‌ها هستند. سیاست‌های حمایت اجتماعی کلاسیک که با هدف ممانعت از کاهش رفاه به کار بسته می‌شوند عمدتاً شامل اقداماتی برای کاهش ریسک‌های بازار کار هستند، مثل ریسک بیکاری یا اشتغال ناقص یا کاهش دستمزدها. به عبارتی هدف از اجرای این سیاست‌ها این است که افراد در برابر بیکاری، اشتغال ناقص یا کاهش دستمزدها بیمه شوند. در حالی که استراتژی‌های ممانعت فراتر می‌روند و علاوه بر آن که سیاست‌های حمایتی کلاسیک را شامل می‌شوند به نوعی درصدد توانمندسازی افراد پیش از آن که در معرض ریسک قرار بگیرند برمی‌آیند.

**ب) استراتژی‌های تخفیف<sup>۲</sup>.** هدف این نوع استراتژی‌ها کاهش تأثیر ریسک‌های آتی منجر به کاهش رفاه است. همانند مورد الف، این نوع استراتژی‌ها پیش از آن که ریسکی محقق شود به کار بسته می‌شوند. تفاوت آن‌ها با استراتژی‌های ممانعت کننده آن است که استراتژی‌های ممانعت با هدف ممانعت از وقوع ریسک و استراتژی‌های تخفیف دهنده با هدف کاهش آثار آتی ریسک‌های منجر به کاهش رفاه مورد استفاده قرار می‌گیرند. تخفیف یا کاهش ریسک می‌تواند به اشکال زیر ظاهر شود:

— **متنوع سازی دارایی ها**! این سیاست با افزایش تنوع دارایی سعی می کند از احتمال کاهش درآمد بکاهد. به کارگیری آن مستلزم آن است که فرد یا جامعه طیف متنوعی از دارایی ها را در اختیار داشته باشد مثل دارایی های مالی، انسانی، فیزیکی و اجتماعی.

— **ساز و کارهای رسمی و غیررسمی بیمه**: این سازوکارها برای سرشکن کردن ریسک به کار می آیند. در این سازوکار چند نفر که بین ریسک های آن ها همبستگی وجود ندارد، شرکت می کنند. مزیت ساز و کارهای رسمی آن است که تعداد شرکت کنندگان (بیمه گزاران) بسیار زیاد و میزان سرشکن شدن ریسک بالاتر است، در حالی که مزیت سازوکارهای غیررسمی کمابیش متقارن بودن اطلاعات است. طرز کار بیمه های دولتی شناخته شده تر است زیرا یک طرف (بیمه گزار) حق بیمه می دهد به امید آن که در آینده از طرف دیگر (بیمه گر) بیمه بازنشستگی، پیری، بیماری، از کار افتادگی و ... دریافت کند. درحالی که طرز کار بیمه های غیر رسمی چندان شناخته شده نیست زیرا یک نهاد (مثل خانواده یا گروه محلی یا قبیله) همزمان چند نقش ایفا می کند.

— **پوشش ریسک**! این روش در بازارهای مالی روز به روز بیش تر مورد توجه قرار می گیرد (برای مثال قراردادهای سلف نرخ ارز). این قراردادها بر مبادله ریسک یا فروش ریسک به دیگری در مقابل دریافت وجه مبتنی اند. در نتیجه، این نوع قراردادها در مقابل اطلاعات ناقص بسیار ضربه پذیر هستند و به همین دلیل به نظر نمی رسد به این زودی در بازارهای کار کاربرد داشته باشند. با این حال به نظر می رسد برخی از قرار و مدارهای خانوادگی (مثل ازدواج) و برخی قراردادهای سنتی کار ماهیتاً بیش تر از نوع پوشش ریسک هستند تا از نوع بیمه.

**ج) استراتژی های فائق شونده**. هدف این نوع استراتژی ها فائق شدن بر تأثیرات منفی ریسکی است که محقق شده. عمده ترین اشکال این نوع استراتژی ها عبارتند از: قرض، مهاجرت، فروش نیروی کار (الاخص کم دکان).

مهمی در کمک به مردم برای مقابله با این نوع ریسک‌ها ایفا کنند. بسیاری از افراد هیچ‌گاه در طول زندگی در معرض انباشت دارایی‌ها قرار نمی‌گیرند و بنابراین کوچک‌ترین شوک درآمدی آن‌ها را تا مرز فقر مطلق یا احیاناً مرگ سوق می‌دهد.

### دوم) تمهیدات: سطوح مدیریت ریسک

**الف) تمهیدات غیر رسمی** (شامل ازدواج، حمایت‌های دو طرفه در جوامع همبسته، نگهداری دارایی‌های سنتی مثل رمه و احشام به مثابه پس‌انداز، و دارایی‌های منقول مثل طلاجات و...)، این تمهیدات در شرایطی که نظام بازار وجود ندارد و یا وجود دارد ولی خوب کار نمی‌کند و از حمایت‌های عمومی و دولتی هم خبری نباشند به کار می‌آیند. اگرچه در مورد این روش‌ها از کاستی‌های متعارف نظام بازار (معضل اطلاعات ناقص و مسأله هماهنگی<sup>۱</sup>) خبری نیست، با این حال ممکن است به دلیل بالا بودن هزینه‌های فرصت از کارایی چندانی برخوردار نباشند. همان‌طور که اشاره شد خرید و فروش دارایی‌های منقول و مستغلات، قرض گرفتن و قرض دادن، متنوع سازی محصول، استفاده از فناوری‌های مطمئن تر (از قبیل کشت محصولاتی با ریسک کم‌تر) و انبار کردن محصول برای استفاده‌های آتی از جمله این روش‌ها هستند.

**ب) تمهیدات بازار مدار.** (شامل دارایی‌های مالی، پول نقد، حساب بانکی، اوراق بهادار و سهام، قراردادهای بیمه). موجودی پول نقد در شرایطی که تورم کم باشد، دارایی‌های مالی به شرط آن که نرخ بازدهی آن‌ها براساس روابط بازار مثبت باشد و قراردادهای بیمه می‌توانند ظرفیت و توان مدیریت ریسک خانوارها را افزایش دهند، به شرط آن که نهادهای مالی (از جمله بانک مرکزی، بانک‌های عامل و شرکت‌های بیمه) خوب کار کنند. شرط دیگر این که این ابزارها بتوانند مورد استفاده واقع شوند آن است که جامعه از بلوغ مالی لازم برای استفاده از این ابزارها برخوردار باشد.

**ج) تمهیدات دولتی** (از قبیل بیمه‌های اجتماعی، پرداخت‌های انتقالی و کار اجتماعی). این تمهیدات در حالتی که سازوکارهای نوع «الف» و «ب» در عمل کار نمی‌کنند، مفید واقع

#### 1. Coordination Problem

می‌شوند. در کشورهای توسعه‌نیافته که میزان اشتغال رسمی زیاد نیست این نوع سازوکارها کارایی لازم را ندارند.

جدول ۲- استراتژی‌ها و تمهیدات مدیریت ریسک

دولتی	بازار مدار	غیر رسمی	تمهید	
			استراتژی	تمهید
<ul style="list-style-type: none"> <li>سیاست‌های کلان اقتصادی</li> <li>آموزش پیش از کار</li> <li>سیاست‌های بازار کار</li> <li>استانداردهای کار</li> <li>مداخله در بازار کار کودکان</li> <li>سیاست حمایت از کار افتادگان</li> <li>پیشگیری از ایذ و دیگر بیماری‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>آموزش حین کار</li> <li>آشنایی با بازارهای مالی مدرن</li> <li>استانداردهای کار</li> <li>بازار مدار</li> <li>استانداردهای کار شرکتی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تولید با ریسک کم‌تر</li> <li>مهاجرت</li> <li>تغییر روش تغذیه</li> </ul>	<b>جلوگیری از ریسک</b>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>بازنشستگی</li> <li>انتقال دارایی‌ها</li> <li>حمایت از فقرا (بالاخص زنان)</li> <li>حمایت از بازارهای مالی در دسترس فقرا</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>سرمایه گذاری در چند نوع دارایی</li> <li>تامین مالی خرد مقیاس</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>چند شغله بودن</li> <li>سرمایه گذاری در داراییهای فیزیکی، انسانی و مستغلات</li> <li>سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی (آیین‌های اجتماعی، رد و بدل کردن هدایا)</li> </ul>	<b>تخفیف ریسک</b>	<b>سید دارایی‌ها</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>بیمه اجباری، بیکاری، سالخوردگی، از کار افتادگی، عمر، بیماری و غیره</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>بیمه مستمری سالخوردگان، بیمه از کار افتادگی، تصادفات، و دیگر بیمه‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>ازدواج/تشکیل خانواده</li> <li>تمهیدات قبیلگی</li> <li>اجاره داری</li> <li>کمک در کار (برداشت محصول)</li> </ul>		<b>بیمه</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>_____</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>_____</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>خانواده گسترده</li> <li>قراردادهای کار</li> </ul>	<b>مقابله با ریسک</b>	<b>فروش تأمین</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>جبران خسارت بلایای طبیعی</li> <li>کمک‌های اجتماعی</li> <li>یارانه‌ها</li> <li>کارهای عمومی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>فروش دارایی‌های مالی</li> <li>قرض گرفتن از بانک</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>قرض گرفتن از همسایه‌ها</li> <li>فروش مستغلات</li> <li>جریان وجوه درون‌درون گروهی</li> <li>کار کودکان</li> <li>پس انداز منفی در سرمایه انسانی</li> <li>مهاجرت فصلی / موقت</li> </ul>		

منبع: (هولتس‌مان، ۲۰۰۰)

## منابع و مأخذ

1. *Holzmann, R. and Jorgensen, S.*, "Social Risk Management: A new Conceptual Framework for Social Protection, and Beyond", *Social Protection Sector, World Bank, 2000.*
2. *Jacobs, S.*, Issues Paper For A World Bank Social Development Strategy Paper, *Social Development Department.*
3. *Wolfenson, James D.*, "Memorandum to the Executive Directors on the Assessment of the Strategic Compact", 2001.
4. *Wolfensohn, James D.*, A Proposal for a Comprehensive Development Framework: (A Discussion Paper), 1999.
5. *World Bank*, Millennium Development Goals, [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org).
6. *World Bank Group*, (2001), *Strategic Framework*, [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی